

بسم الله الرحمن الرحيم

تاریخ: 99/07/20

موضوع: شرحی بر خطبه دوم نهج البلاغه در خلافت الهی امیرالمؤمنین (6)

برنامه حبل المتین

فهرست مطالب این برنامه:

اُمّه اطهار (علیهم السلام) میزان و معیار دیانت با برخورداری از عصمت مطلق!

یک سؤال ساده از برادران اهل سنت!

از خواندن و مطالعه این زیارت غافل نباشید!

تصریح امیرالمؤمنین به ولایت خود و اهل بیت (علیهم السلام)

درخشش فقه امام صادق (سلام الله علیه) در کشورهای مختلف اسلامی

اهل سنت، این سؤال ساده ما را چند سال است که پاسخ ندادند!!

سنگ تمام پیامبر اکرم برای امیرالمؤمنین در «آیه مباهله»!

خیانت آشکار «ابن قیم جوزیه» نسبت به امیرالمؤمنین (سلام الله علیه)

اگر در خانه کس است، همین یک روایت برای هدایت بس است!!

ولایت الهی امیرالمؤمنین (سلام الله علیه) با سندی کاملاً صحیح

اگر ادله مذهب شیعه، محکم و قاطع هست، چرا اهل سنت زبربار نمی روند!؟

تماس بینندگان برنامه

آیا امیرالمؤمنین (سلام الله علیه) به خلافت الهی خود اعتقادی نداشتند!؟

مجری:

اعوذ بالله من الشیطان الرجیم بسم الله الرحمن الرحیم الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی محمد و آله الطاهرین

چه مبارک است این غم که تو در دلم نهادی

به غمت که هرگز این غم ندهم به هیچ شادی

ز تو دارم این غم به جهان از این چه خوشتر

تو چه دادی ام که گویم که از آن به من ندادی

نظر کدام سروی، نفس کدام بادی

همه بوی آرزویی مگر از گل بهشتی

ز کدام ره رسیدی ز کدام در گذشتی

که ندیده دیده رویت به درون دل فتادی

السلام علیک یا ابا عبدالله الحسین

عرض سلام و ادب و احترام دارم خدمت همه شما بینندگان عزیز و ارجمند «شبهه جهانی حضرت ولی عصر» و

عرض تسلیت به مناسبت ایام سوگواری محرم و صفر و این ایام عزای آل البیت (علیهم السلام).

امشب در محضر شما هستیم و با برنامه «حبل المتین» مهمان دیدگان شما هستیم و الحمدلله این افتخار را داریم که در محضر حضرت آیت الله «دکتر حسینی قزوینی» باشیم. سلام علیکم و رحمة الله؛

آیت الله دکتر حسینی قزوینی:

سلام علیکم و رحمة الله و برکاته؛ بنده هم خدمت همه بینندگان عزیز و گرامی که در هرکجای این کره خاکی بیننده این برنامه هستید و ما را مهمان خانه‌های خودشان قرار داده اند، خالصانه‌ترین سلام را تقدیم می‌کنم و موفقیت بیش از پیش برای همه عزیزان از خداوند مَنان خواهانم.

مجری:

سلامت باشید، ان شاءالله. حضرت استاد در جلسات گذشته قبل از اینکه این ویژه برنامه فاصله شود، نسبت به خطبه دوم «نهج البلاغه» صحبت می‌کردیم و الحمدلله این توفیق را داشتیم که از فضائل اهل البیت و ویژگی‌های اهل البیت بشنویم و بهره مند شویم.

اتفاقاً در همین جلسات پیشین هم بسیار ارتباط وثیقی بین این خطبه و همان فضائل زیارت که مطرح می‌شد، بیان شد.

حضرتعالی فرمودید که این زیارت‌ها و این فضائلی که نسبت به زیارت حضرت ابا عبدالله الحسین و سایر معصومین ذکر شده است، منوط به این است که «عَارِفًا بِحَقِّهِ» باشد.

چقدر زیبا این خطبه حق ائمه اطهار را برای ما تشریح می‌کند که آن بزرگواران چه حقی دارند. در حقیقت یک دوره اهل بیت شناسی را الآن در محضر شما پاس می‌کنیم.

بنده بسیار مختصر مطالب جلسات گذشته را عرض می‌کنم که بینندگان عزیز هم در جریان قرار گرفته باشند.

حضرت امیرالمؤمنین (سلام الله علیه) در خطبه دوم، چهارده ویژگی جالب و جذاب می‌فرماید که ما تا الآن تا یازده ویژگی را مطرح کردیم و ان شاء الله از دوازدهمین ویژگی به بعد از محضر استاد بهره مند می‌شویم.

ویژگی اول: «هُم مَوْضِعُ سِرِّهِ» بود. ویژگی دوم: «وَلَجَأُ أَمْرِهِ». ویژگی سوم: «عَيْتُهُ عِلْمِهِ». ویژگی چهارم: «وَمَوْئِلُ حُكْمِهِ». ویژگی پنجم: «وَكُهُوفُ كِتَابِهِ» و ویژگی ششم: «وَجِبَالُ دِينِهِ» بود.

ویژگی هفتم: «بِهِمْ أَقَامَ أَنْجَاءَ ظَهْرِهِ» بود. ویژگی هشتم: «وَأَذْهَبَ اِزْتِعَادَ فَرَائِصِهِ». ویژگی نهم: «لَا يِقَاسُ بِآلِ مُحَمَّدٍ ص مِنْ هَذِهِ الْأُمَّةِ أَحَدٌ». ویژگی دهم: «هُمُ أَسَاسُ الدِّينِ» و ویژگی یازدهم: «وَعِمَادُ الْيَقِينِ» بود.

ما تا اینجا رسیدیم. الآن ویژگی دوازدهم باید نقل شود. بنده خیلی سریع گفتم که دوستانی که این عبارت به گوششان خورد و دوست دارند پیگیری کنند، طبیعتاً می‌توانند به آرشیو برنامه مراجعه کنند و توضیحات آنها را ببینند.

ما تا اینجا رسیدیم. الآن نسبت به ادامه خطبه و ویژگی دوازدهم از محضرتان بهره مند می‌شویم.

آیت الله دکتر حسینی قزوینی:

اعوذ بالله من الشيطان الرجيم بسم الله الرحمن الرحيم و به نستعين و هو خير ناصر و معين الحمد لله و الصلاة على رسول الله و على آله آل الله لاسيما على مولانا بقیة الله و اللعن الدائم على اعدائهم اعداء الله إلى يوم لقاء الله أفضو أمری إلى الله إن الله بصیر بالعباد حسبنا الله و نعم الوکیل نعم المولى و نعم النصیر ماشاء الله لا حول و لا قوة إلا بالله العلی العظيم

بنده قبل از آنکه به سؤال عزیزم پاسخ بدهم به جهت اینکه برنامه و شبکه را بیمه حضرت صدیقه طاهره کنیم، نامی می‌برم از حضرت فاطمه زهرا با یک روایت بسیار زیبا از آن بزرگوار. حضرت فاطمه زهرا فرمودند:

«مَنْ أَضْعَدَ إِلَى اللَّهِ خَالِصَ عِبَادَتِهِ أَهْبَطَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ إِلَيْهِ أَفْضَلَ مَضْلَحَتِهِ»

هرکسی عبادت و کارهای خود را خالصانه برای پروردگار عالم انجام دهد، خداوند متعال بهترین مصلحت‌ها و برکات خویش را برای این چنین بنده‌ای مقدر می‌کند.

بحار الأنوار، نویسنده: مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، محقق / مصحح: جمعی از محققان، ج 67، ص 249، ح 25

هرچه عمل‌ها خالص‌تر برای خدا باشد، عنایات خداوند عالم و برکات الهی و مصلحت‌های دینی و دنیوی ما به طرف ما بیشتر سرازیر می‌شود.

ائمه اطهار (علیهم السلام) میزان و معیار دیانت با برخورداری از عصمت مطلق!

در رابطه با بحثمان همانطور که عزیزمان هم اشاره کردند، ما در رابطه با امامت الهی امیرالمؤمنین از زبان خود آن بزرگوار در کتاب «نهج البلاغه» صحبت کردیم.

حضرت در پانزده، شانزده خطبه و نامه در رابطه با امامت خودشان و امامت اهل بیت (علیهم السلام) مطالبی را مطرح فرمودند. یکی از آن خطبه‌ها، همین خطبه دوم «نهج البلاغه» است.

ما تاکنون یازده ویژگی را مطرح کردیم. دوازدهمین مورد که یکی از ویژگی‌های اهل بیت است، «إِلَيْهِمْ يَفِيءُ الْغَالِي وَ بِهِمْ يَلْحَقُ التَّالِي» است.

کسانی که شتابان جلو رفتند باید به اهل بیت برگردند. افراط در دین شایسته نیست. اهل بیت (علیهم السلام) خط کش و ملاک هستند. زیاده روی‌ها و افراط‌گری‌ها در دین به هیچ وجه به صلاح عبد نیست.

همچنین کسانی که عقب ماندند و نسبت به سخنان اهل بیت بی توجهی کردند، باید سریع خودشان را به اهل بیت برسانند.

این سخن امیرالمؤمنین نشانگر این است که اهل بیت عصمت و طهارت (سلام الله علیهم اجمعین) ملاک و میزان و معیار دیانت است.

دیانت باید با گفتار آنها، کردار آنها، اخلاق آنها، تقریر اهل بیت عصمت و طهارت تطبیق کند. اگر تطبیق نکرد و اضافه یا کمتر از اهل بیت بود، آن دیگر دیانت نیست.

آقای «طبرانی» متوفای 360 هجری یکی از علمای بزرگ اهل سنت در کتاب «معجم الکبیر» جلد پنجم روایتی در این زمینه مطرح کرده است. مشهور بر این است که ایشان مقید بود در این کتاب احادیث صحیح را نقل کند.

ایشان در قضیه حدیث غدیر بعد از آنکه رسول گرامی اسلام، امیرالمؤمنین را معرفی کرد و فرمود که فردا شما در کنار حوض با من ملحق خواهید شد، از شما سؤال خواهم کرد:

«كَيْفَ تُخْلِفُونِي فِي الثَّقَلَيْنِ»

چگونه بعد از من با ثقلین برخورد کردید؟

«فَنَادَى مُنَادٍ وَمَا الثَّقَلَانِ يَا رَسُولَ اللَّهِ»

مردی بلند شد و گفت: یا رسول الله! «الثَّقَلَانِ» چیست؟

«قَالَ كِتَابُ اللَّهِ طَرَفٌ بِيَدِ اللَّهِ عِزُّ وَجَلَّ وَطَرَفٌ بِأَيْدِيكُمْ فَاسْتَمْسِكُوا بِهِ لَا تَضِلُّوا وَالْآخَرَ عِثْرَتِي»

حضرت فرمود: کتاب خدا و اهل بیت من است. در ادامه فرمودند:

«أَنْهُمَا لَنْ يَتَفَرَّقَا حَتَّى يَرِدَا عَلَى الْحَوْضِ»

قرآن و اهل بیت و عترت من از همدیگر جدا نمی‌شوند، تا نزد من در کنار حوض وارد شوند.

یعنی هر جایی قرآن است، اهل بیت هم هست. هر جایی که اهل بیت است، قرآن هم هست. اینها لازم و ملزوم یکدیگر هستند.

«وَسَأَلْتُ ذَلِك لَهْمَا رَبِّي»

از خداوند خواستم منت بگذارد و این دو نعمت را برای شما بگذارد.

«فَلَا تَقْدُمُوهُمَا فَتَهْلِكُوا»

از آنها جلو نیفتید که هلاک می شوید.

به فرموده حضرت اعمال شما جلوتر از آنها نباشد. اگر ائمه اطهار هفده رکعت نماز می خوانند، شما بیست و چهار رکعت نخوانید. شما طبق اهل بیت عمل کنید. ملاک اهل بیت باشد.

«وَلَا تَقْضُوا عَنْهُمَا فَتَهْلِكُوا»

از اهل بیت کوتاه نیایید که هلاک می شوید.

نباید در طول شبانه روز پانزده رکعت نماز بخوانید. همچنین اگر قرار است از هر ده شتر یک شتر زکات بدهید، یک شتر بیمار زکات ندهید. ببینید اهل بیت چکار می کنند و طبق آنها عمل کنید. نه افراط کنید و نه تفریط.

«وَلَا تَعْلَمُوهُمْ فَإِنَّهُمْ أَغْلَمُ مِنْكُمْ»

به اهل بیت چیزی یاد ندهید، زیرا اهل بیت از همه شما عالم تر هستند.

لازم نیست به اهل بیت دیانت یاد بدهید.

«ثُمَّ أَخَذَ بِيَدِ عَلِي رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ فَقَالَ مَنْ كُنْتُ أَوْلَى بِهِ مِنْ نَفْسِي فَعَلِيَ وَوَلِيَّهُ»

حضرت سپس دست امیرالمؤمنین را گرفت و فرمود: هرکسی ولایت من بر او از خود او بیشتر است، علی ولی امر اوست.

«اللَّهُمَّ وَالِ مَنْ وَالَاهُ وَعَادِ مَنْ عَادَاهُ»

خدایا دوستدار علی را دوست مدار و دشمنان علی را دشمن مدار.

المعجم الكبير، اسم المؤلف: سليمان بن أحمد بن أيوب أبو القاسم الطبراني، دار النشر: مكتبة الزهراء - الموصل - 1404 - 1983، الطبعة: الثانية، تحقيق: حمدي بن عبدالمجيد السلفي، ج 5، ص 166، ح 4971

این روایت نشانگر عصمت مطلقه امیرالمؤمنین و اهل بیت است. اگر نستجیر بالله امیرالمؤمنین مرتکب کار خلاف شود، آیا وظیفه ما نسبت به مخالف دین و کسی که گناه مرتکب می‌شود چیست؟! ما نمی‌توانیم با او کنار بیاییم و او را دوست داشته باشیم. باید نهی از منکر کنیم و از عمل کار بد برائت بجوییم.

این قضیه نشانگر این است که از آنها چیزی خلاف شرع به صورت نسیان یا خطاً صادر نخواهد شد. ولو به صورت نسیان کار نادرستی از اهل بیت صادر شود و من تبعیت کنم، این برخلاف دستور رسول گرامی اسلام است.

همین تعبیر را «مرحوم علامه مجلسی» در کتاب «بحارالانوار» جلد 23 صفحه 152 آورده است. همچنین آقای «هیثمی» متوفای 807 هجری در کتاب «مجمع الزوائد» جلد 9 صفحه 163 از قول «زید بن أرقم» مفصل این قضیه را مطرح کرده و در نهایت می‌نویسد:

«فلا تقدموهما فتهلكوا ولا تقصروا عنهما فتهلكوا ولا تعلموهما فهم أعلم منكم ثم أخذ بيد علي رضي الله

عنه فقال من كنت أولى به من نفسه فعلي وليه اللهم وال من والاه وعاد من عاداه»

مجمع الزوائد ومنبع الفوائد، اسم المؤلف: علي بن أبي بكر الهيثمي، دار النشر: دار الريان للتراث/دار الكتاب العربي - القاهرة، بيروت - 1407، ج 9، ص 163، باب في فضل أهل البيت رضي الله عنهم

همچنین «ابن حجر مکی» در کتاب «الصواعق المحرقة» بعد از اینکه این روایت را نقل می‌کند، می‌گوید:

«والحاصل أن الحث وقع على التمسك بالكتاب وبالسنّة وبالعلماء بهما من أهل البيت ويستفاد من مجموع ذلك بقاء الأمور الثلاثة إلى قيام الساعة»

حاصل این است که رسول اکرم که این همه به کتاب الهی و سنت پیغمبر اکرم و عالمان به کتاب و سنت از اهل بیت تحریک و تشویق کرده است، نشانگر این است که این سه مسئله تا قیامت باقی است.

الصواعق المحرقة على أهل الرّفص والضلال والزندقة، اسم المؤلف: أبو العباس أحمد بن محمد بن علي ابن حجر الهيثمي، دار النشر: مؤسسة الرسالة - لبنان - 1417 هـ - 1997 م، الطبعة: الأولى، تحقيق: عبد الرحمن بن عبد الله التركي - كامل محمد الخراط، ج 2، ص 439، الفصل الأول في الآيات الواردة فيهم

ما از غیر دوازده امامی سؤال می‌کنیم و فرقی هم نمی‌کند که زیدی باشد یا اسماعیلی باشد یا واقفی یا سنی یا فتحی و یا وهابی باشد؛ ما سؤال می‌کنیم کتاب الهی که مشخص است، حال اهل بیت چه کسانی هستند؟!

اگر بگویند نستجیر بالله اهل بیت نیست، لازم می‌آید که رسول اکرم حرف لغو گفته باشد. همچنین اگر در کنار پیغمبر اکرم اهل بیت هست، «من هو من أهل البيت في هذا العصر»؟!

یک سؤال ساده از برادران اهل سنت!

در روایت:

«وَمَنْ مَاتَ وَلَيْسَ فِي عُنُقِهِ بَيْعَةٌ مَاتَ مِيتَةً جَاهِلِيَّةً»

صحیح مسلم، اسم المؤلف: مسلم بن الحجاج أبو الحسين القشيري النيسابوري، دار النشر: دار إحياء التراث العربي - بيروت، تحقيق: محمد فؤاد عبد الباقي، ج 3، ص 1478، ح 1851

یا در روایت:

«مَنْ مَاتَ بِغَيْرِ إِمَامٍ مَاتَ مِيتَةً جَاهِلِيَّةً»

مسند الإمام أحمد بن حنبل، اسم المؤلف: أحمد بن حنبل أبو عبدالله الشيباني، دار النشر: مؤسسة قرطبة - مصر، ج 4، ص 96، ح 16922

«إِمَامٍ» چه کسی است؟! بر فرض ما می‌خواهیم از دنیا برویم و پدر و مادر ما از دنیا رفته است. امامی که پیغمبر اکرم در خصوص آن می‌فرماید:

«مَنْ مَاتَ بِغَيْرِ إِمَامٍ مَاتَ مِيتَةً جَاهِلِيَّةً»

چه کسی بوده است؟! اگر شما بگویند که حاکم هر کشوری امام آن کشور است، در این صورت تعدد امام مطرح می‌شود. در روایت دیگری آمده است:

«إِذَا بُوِيعَ لِخَلِيفَتَيْنِ فَأَقْتُلُوا الْآخَرَ مِنْهُمَا»

اگر در عصری با دو خلیفه بیعت کردند، اولی امام است و دومی باید کشته شود.

صحیح مسلم، اسم المؤلف: مسلم بن الحجاج أبو الحسين القشيري النيسابوري، دار النشر: دار إحياء التراث العربي - بيروت، تحقيق: محمد فؤاد عبد الباقي، ج 3، ص 1480، ح 1853

«نووی» و دیگران در منابع خود آورده‌اند که در هر عصری در کره زمین تنها باید یک امام باشد. این قضیه کاملاً واضح و روشن است.

همین عبارت را «سیوطی» در کتاب «الدر المنثور» جلد سوم صفحه 710 آورده است و چندین روایت از طرق مختلف از قول «ابو سعید خدری» و «عبدالله بن مسعود» و «زید بن أرقم» و «زید بن ثابت» و «ابو شریح خزاعی» آورده است.

تمامی این روایات نشانگر این است که تنها راه نجات و رسیدن به ساحل نجات تمسک به کتاب و عترت و اهل بیت پیغمبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) است.

«إن تمسکتُم بهما لم تضلوا بعدی»

اگر به کتاب خدا و اهل بیت تمسک کردید گمراه نمی‌شوید.

أصول السرخسی، اسم المؤلف: محمد بن أحمد بن أبي سهل السرخسی أبو بكر، دار النشر: دار المعرفة –

بیروت، ج 1، ص 314، فصل الأهلية

تمسک به اهل بیت بدون قرآن کریم ضلالت است. اگر کسی از ائمه اطهار و عاشورا و سینه زنی دم بزند، اما نماز نخواند و روزه نگیرد قطعاً اهل بیت را گرفته و قرآن کریم را رها کرده است.

همچنین اگر کسی قرآن می‌خواند و نماز می‌خواند و روزه می‌گیرد، اما نه نماز و روزه‌ای که اهل بیت (علیهم السلام) گفته‌اند. قطعاً این هم ضلالت است.

ما باید بگوییم اهل بیتی که وحی در خاندان آنها نازل شده است، چطور نماز خواندند و چطور به ما می‌گویند نماز بخوانید. آن بزرگواران چطور روزه گرفتند و چطور به ما می‌گویند روزه بگیرید. ملاک برای ما اهل بیت هستند و در غیر این صورت دیگر فایده‌ای ندارد.

مجری:

چقدر هم زیبا فرمودید که اهل بیت کامل، اهل بیتی هستند که قرآن را تأیید می‌کند و دقیقاً کسی می‌تواند بگوید من به قرآن کریم ایمان آوردم و فهمیدم که بتواند اهل بیت را بفهمد.

از خواندن و مطالعه این زیارت غافل نباشید!

آیت الله دکتر حسینی قزوینی:

این تعابیر الی ماشاءالله در کتب شیعه هم آمده است. به عنوان مثال در «زیارت جامعه کبیره» که قبلاً هم گفتیم از آن زیاراتی است که «مرحوم محمد تقی مجلسی» و دیگران همگی بر صحت این روایت تصریح کرده‌اند، همین موضوع آمده است.

بنده قسمتی از این زیارت را از کتاب «من لا یحضره الفقیه» می‌آورم. در این کتاب که یکی از کتب اربعه شیعه است، این زیارت آمده تا اینجا که می‌نویسد:

«فَالرَّائِبُ عَنْكُمْ مَارِقٌ وَ الْوَالِئُ لَكُمْ لَاحِقٌ»

هرکسی از شما روگرداند از دین خارج شد و هرکسی ملازم شما بود به مقصد رسید.

طبق این فراز از زیارت جامعه کبیره هرکسی از شما رو بگرداند و به دنبال شما نیاید و به دنبال افراد دیگری برود، از دین خارج شده است. کسانی که ملازم و همراه و تابع شما هستند، به مقصد رسیده‌اند.

«وَ الْمُقَصِّرُ فِي حَقِّكُمْ زَاهِقٌ»

هرکسی در حق شما کوتاهی کرد نابود شد.

«وَالْحَقُّ مَعَكُمْ وَفِيكُمْ وَ مِنْكُمْ وَإِلَيْكُمْ»

حق همراه شما و در دودمان شما و از شما و به سوی شماست.

«وَأَنْتُمْ أَهْلُهُ وَ مَعْدِنُهُ»

اهل حق و سرچشمه حق شما هستید.

«وَ الْبَابُ الْمُبْتَلَىٰ بِهِنَّ النَّاسُ»

و مردم با شما آزموده می‌شوند.

خانه و دودمان شما دودمانی است که مردم مورد امتحان قرار می‌گیرند. ملاک امتحان دودمان شماست.

«مَنْ أَتَاكُمْ نَجَا وَ مَنْ لَمْ يَأْتِكُمْ هَلَكَ»

آنکه به سوی شما آمد نجات یافت و آنکه نیامد هلاک شد.

اگر کسی به طرف شما نیاید و از شما دستورات دینی نگیرد، هلاک می‌شود.

«إِلَى اللَّهِ تَدْعُونَ»

شما مردم را به طرف خدا دعوت می‌کنید.

«وَ عَلَيْهِ تَدُلُّونَ»

شما مردم را به طرف خداوند راهنمایی می‌کنید.

«وَ بِهِ تُؤْمِنُونَ وَ لَهُ تُسَلِّمُونَ وَ بِأَمْرِهِ تَعْمَلُونَ»

شما هستید که به خداوند ایمان دارید و تسلیم او هستید و به فرمانش عمل می‌کنید.

«وَإِلَىٰ سَبِيلِهِ تُزْشَدُونَ»

تنها شما هستید که مردم را به راه خداوند ارشاد می‌کنید.

تا جایی که می‌فرماید:

«وَ خَابَ مَنْ جَحَدَكُمْ»

هرکه شما را انکار کرد زیانکار شد.

«وَ ضَلَّ مَنْ فَارَقَكُمْ»

و هرکه از شما جدا شد گمراه گشت.

«وَ فَازَ مَنْ تَمَسَّكَ بِكُمْ»

هرکه به شما تمسک جست به رستگاری رسید.

«وَ أَمِنَ مَنْ لَجَأَ إِلَيْكُمْ»

و هرکه به شما پناه آورد ایمنی یافت.

من لا يحضره الفقيه، نویسنده: ابن بابویه، محمد بن علی، محقق / مصحح: غفاری، علی اکبر، ج 2،

ص 612، ح 3213

شما محل امن الهی هستید. شما هستید که تابعینتان را از هرگونه هلاکت دنیوی و هلاکت اخروی بیمه می‌کنید. بسیار زیبا و عالی است. بنده گمان نمی‌کنم بهتر از این انسان بتواند بیان کند.

در ویژگی دوازدهم حرف بسیار زیاد است، اما به نظرم در خانه اگر کس است، یک حرف بس است. ما هم از منابع اهل سنت روایاتی آوردیم و هم از منابع شیعه روایاتی آوردیم.

بنده بازهم به همه عزیزان شیعه توصیه می‌کنم از متن زیارت جامعه کبیره که یک دوره امام شناسی است، غافل نباشند. در این زیارت شریف مقام اهل بیت، مقام ولایی اهل بیت، ولایت تکوینی، ولایت تشریحی و فضائل اهل بیت نهفته است.

اگر نمی‌خواهید هر روز هم این زیارت را بخوانید و مطالعه کنید؛ هفته‌ای یک بار زیارت جامعه کبیره ولو ترجمه این زیارت را مطالعه کنید.

ببینید خداوند عالم به این بزرگواران چه مقامی داده و نتیجه تبعیت از دستورات آن بزرگواران انسان را به چه مقامی می‌رساند.

«وَفَازَ الْفَائِزُونَ بِوَلَايَتِكُمْ»

اگر کسی در دنیا به رستگاری و مقامی رسید، به برکت شما بوده است.

من لا يحضره الفقيه، نویسنده: ابن بابویه، محمد بن علی، محقق / مصحح: غفاری، علی اکبر، ج 2،

ص 612، ح 3213

اگر سؤال خاصی هست، بفرمایید.

مجری:

ان شاء الله سلامت باشید. بله، سؤالات که زیاد باقی مانده است. ما بهره مند شدیم و ان شاء الله با این نوع شناخت کامل و جامع جزو فائزون هم قرار بگیریم.

کم کم به فراز سیزدهم می‌رسیم که ویژگی‌های آخر است و جایی است که شاید سنگ بنای این مباحث هم به خاطر این دو فراز آخر بود که شروع کردیم و حضرت آیت الله دکتر حسینی قزوینی این مطالب را مطرح فرمودند.

بنابراین حواستان جمع باشد و ان شاء الله با دقت بیشتری به فرازهای انتهایی عنایت داشته باشید. یک میان برنامه می‌بینیم و ان شاء الله برمی‌گردیم خدمتتان خواهیم بود.

السلام علی قلب زینب الصبور؛ آقا فقط فکرت پیش خواهرت بود! سلام مجدد عرض می‌کنم خدمت همه شما بینندگان عزیز و ارجمند «شبکه جهانی حضرت ولی عصر».

تا اینجای برنامه الحمدلله این دوره اهل بیت شناسی را به فراز دوازدهم رساندیم خطبه دوم «نهج البلاغه» که از بیانات حضرت استاد بهره مند می‌شدیم و استفاده می‌کردیم. فراز سیزدهم «و لَهُمْ خَصَائِصُ حَقِّ الْوَلَايَةِ» است که از محضرتان بهره مند می‌شویم.

تصریح امیرالمؤمنین به ولایت خود و اهل بیت (علیهم السلام)

آیت الله دکتر حسینی قزوینی:

این دوازده ویژگی در حقیقت مقدمه‌ای بود که ما به فراز سیزدهم و چهاردهم برسیم. حضرت می‌فرماید «و لَهُمْ خَصَائِصُ حَقِّ الْوَلَايَةِ» به این معنا که ویژگی‌ها و شرایط ولایت امور مسلمین تنها در اهل بیت است.

شما غیر از اهل بیت، کسی را در کره زمین پیدا نمی‌کنید که این ویژگی را داشته باشد. این ولایت تمام شرایطش تنها در این دودمان است و در غیر این دودمان این شرایط نیست.

حال در خصوص شرایط امام، بعضی افراد، هشت شرط، بعضی هفت شرط، بعضی دوازده شرط و بعضی سه شرط آوردند.

«قاضی عبدالجبار معتزلی» در کتاب «المغنی فی الإمامة» و «تفتازانی» و «عضدالدین ایجی» و دیگران حرف‌های زیادی دارند. ان شاءالله زمانی که به بحث ادله عقلی امامت رسیدیم، این نظریات را مطرح می‌کنیم. این افراد معتقدند یکی از شرایط امام، داشتن «شجاعت» است. به ما نشان بدهید آیا از حضرت آدم تا عصر حاضر شجاع‌تر از امیرالمؤمنین مادر زائیده است؟!

«ابن ابی الحدید» می‌گوید: علی بن ابی طالب نام شجاعان گذشته را محو کرد و جایی هم برای شجاعان آینده باقی نگذاشت. همچنین خلیفه دوم می‌گوید:

«وَاللَّهِ لَوْ لَا سَيْفُهُ لَمَا قَامَ عَمُودُ الْإِسْلَامِ»

به خدا سوگند اگر شمشیر علی نبود، پرچم اسلام برافراشته نمی‌شد.

شرح نهج البلاغة، اسم المؤلف: أبو حامد عز الدين بن هبة الله بن محمد بن محمد بن أبي الحدید المدائنی، دار النشر: دار الكتب العلمية - بيروت / لبنان - 1418 هـ - 1998 م، الطبعة: الأولى، تحقیق: محمد عبد الکریم النمري، ج 12، ص 51

ما در این زمینه حرف زیاد داریم. یکی هم بحث «اعلمیت» است. آیا شما اعلم‌تر از علی بن ابی طالب سراغ دارید؟! آیا تا به حال کسی بوده است که از حضرت مسئله‌ای سؤال کند و آن بزرگوار در جواب عاجز بماند و به دیگر صحابه مراجعه کند؟!

ان شاءالله ما در رابطه با بحث‌هایی که در رابطه با شرایط امام در آینده خواهیم داشت و اینکه بعضی افراد می‌گویند دلیل همکاری امیرالمؤمنین با خلفا چه بوده است، مفصل توضیحاتی مطرح می‌کنیم.

درخشش فقه امام صادق (سلام الله علیه) در کشورهای مختلف اسلامی

خلفا در بسیاری از موارد بسیار ساده حکم صادر می‌کردند. به عنوان مثال خانمی شش ماهه فرزند به دنیا آورده است و خلیفه دستور داد که او را سنگسار کنید. دلیل او این بود که شش ماهه بچه به دنیا نمی‌آید. امیرالمؤمنین آمد و فرمود قرآن یک جا می‌فرماید:

(وَ حَمْلُهُ وَ فِصَالُهُ ثَلَاثُونَ شَهْرًا)

و دوران حمل و از شیر باز گرفتنش سی ماه است.

سوره احقاف (46): آیه 15

و از طرف دیگر می‌فرماید:

(وَ الْوَالِدَاتُ يَرْضِعْنَ أَوْلَادَهُنَّ حَوْلَيْنِ كَامِلَيْنِ)

مادران، فرزندان را دو سال تمام، شیر می‌دهند.

سوره بقره (2): آیه 233

اگر این دو عدد را از همدیگر کسر کنیم شش ماه می‌شود. اقل حمل شش ماه و اکثر حمل نه ماه است. البته بعضی از فقهای اهل سنت معتقدند فرزند تا دو سال هم می‌تواند در رحم مادر باشد و بعضی دیگر تا چهار سال هم گفته‌اند!!!

در این چند سال اخیر در دادگاه حقوقی مصر همین فتوا باعث سوء استفاده‌های زیادی از زنان می‌شود. آن‌ها گفتند تنها راهی که می‌توانیم با آن جلوی سوء استفاده‌ها را بگیریم، مراجعه به فقه شیعه و فقه اهل بیت است. ان شاء الله عرض خواهیم کرد که در صد و پنجاه سال اخیر در مصر و کویت و بحرین و بسیاری از کشورهای اسلامی، قضات سرشناس اهل سنت در بسیاری مسائل فقهی موجود در کتاب‌هایشان به بن بست رسیدند و به فقه امام صادق مراجعه کردند.

بنده موارد زیادی از درخشش فقه امام صادق (علیه السلام) با ماده قانونی آن دارم که ان شاءالله در فرصتی مناسب این موارد را به بینندگان عزیز توضیح خواهم داد.

طبق آیه (وَ حَمْلُهُ وَ فِصَالُهُ ثَلَاثُونَ شَهْرًا) دوران حمل و دوران شیرخوارگی سی ماه است. از طرف دیگر هم پایان مدت شیرخوارگی یک کودک بیست و چهار ماه است. (وَ الْوَالِدَاتُ يَرْضَعْنَ أَوْلَادَهُنَّ حَوْلَيْنِ كَامِلَيْنِ) اگر بیست و چهار ماه را از سی ماه کسر کنیم، شش ماه باقی می ماند.

بنده روایتی را که «حاکم نیشابوری» آورده است، به شما نشان می دهم. عزیزان دقت کنند که این روایت بسیار مهم است. بنده سپس توضیح بیشتری خواهم داد.

«حاکم نیشابوری» در کتاب «مستدرک علی الصحیحین» جلد سوم در رابطه با حضرت امیرالمؤمنین روایتی مطرح می کند.

اهل سنت، این سؤال ساده ما را چند سال است که پاسخ ندادند!!

یکی از سؤالاتی که آمده بود و فرصت نشد پاسخ بدهیم، این بود که در قضیه جیش یمن میان امیرالمؤمنین و سپاهیان اختلاف به وجود آمد.

یکی از شبهاتی که در غدیر مطرح می کنند، این است که میان امیرالمؤمنین و سپاه یمن اختلافی به وجود آمده بود. پیغمبر اکرم در منطقه غدیر آمد و به مردم گفت: علی بن ابی طالب انسان خوبی است، از او ناراحت نشوید.

ما از این آقایان سؤالی پرسیدیم، اما چند سال است که پاسخ نگرفتیم. بنده گفتم: یک نفر که می خواهد بین دو نفر صلح برقرار کند یا به افرادی بگوید که از شخصی رنجیده نشوید، علت رنجش را مطرح می کند.

شما در روایات و خطبه‌های غدیر یک جا به ما نشان بدهید که پیغمبر اکرم کلمه «یمن» را به کار برده باشد. شما یک جا به ما نشان بدهید که پیغمبر اکرم فرموده باشد اینکه می گویم «من كنت مَوْلَاةُ فَعَلَى مَوْلَاةُ» به خاطر قضیه «یمن» است.

همچنین روایتی از علی بن ابی طالب در کتاب‌های خودتان بیاورید که حضرت فرموده باشند پیغمبر اکرم که در غدیر خم حدیث «من كنت مَوْلَاةُ فَعَلَى مَوْلَاةُ» را فرمود، به خاطر مسئله یمن بوده است.

همچنین روایتی از خلفای ثلاثه یا یک روایت برای ما بیاورید که گفته باشند در غدیر خم پیغمبر اکرم به خاطر شکایت سپاه یمن «من كنت مَوْلَاةُ فَعَلَى مَوْلَاةُ» فرموده باشد. چرا چنین روایتی برای ما نمی‌آورید؟!

«ابن کثیر» بعد از هفت، هشت قرن خواب نما شد و چنین ادعایی را مطرح کرد. علاوه بر این قضیه جیش یمن مربوط به سال هشتم هجری در مدینه است، نه سال دهم هجری.

«حاکم نیشابوری» قضیه را نقل می‌کند و می‌گوید: در مدینه بعد از قضیه جنگ یمن تعدادی از افراد بلند شدند و از علی بن ابی طالب شکایت و گلایه کردند، اما پیغمبر اکرم از آنها رو گرداند.

نفر دوم شروع به حرف زدن بر علیه علی بن ابی طالب کرد. پیغمبر اکرم از او رو گرداند. نفر سوم و نفر چهارم همینطور شروع به حرف زدن علیه حضرت کردند. راوی می‌گوید:

« وَالْعَصَبُ فِي وَجْهِهِ »

خشم و غضب در سیمای پیغمبر اکرم نمایان بود.

« مَا تُرِيدُونَ مِنِّي، إِنَّ عَلِيًّا مِنِّي، وَأَنَا مِنْهُ وَوَلِيُّ كُلِّ مُؤْمِنٍ »

پیغمبر فرمود: از جان علی چه می‌خواهید؟ علی از من است و من از او هستم و او ولی امر تمام مؤمنین است.

اگر قرار باشد بعد از پیغمبر اکرم کسی منصب خلافت را به عهده بگیرد، آیا کسی که پیغمبر اکرم می‌فرماید من از او هستم و او از من است چنین ویژگی را دارد؟! این شخص را به ما نشان بدهید!

غیر از علی بن ابی طالب کسی را به ما نشان بدهید که پیغمبر اکرم با سند صحیح فرموده باشند فلانی از من است و من از او هستم. این قضیه خیلی مهم است.

«إِنَّ عَلِيًّا مِنِّي، وَأَنَا مِنْهُ»

حضرت بلافاصله می‌فرماید:

«وَوَلِيٌّ كُلِّ مُؤْمِنٍ»

و او ولی امر همه مؤمنین است.

«حاکم نیشابوری» در مورد سند می‌نویسد:

«هذا حديث صحيح على شرط مسلم ولم يخرجاه»

این حدیث صحیح است و تمام شرایط صحیح مسلم را دارد.

المستدرک علی الصحیحین، اسم المؤلف: محمد بن عبدالله أبو عبدالله الحاکم النیسابوری، دار النشر:

دار الکتب العلمیة - بیروت - 1411 هـ - 1990 م، الطبعة: الأولى، تحقیق: مصطفی عبد القادر عطا، ج

3، ص 119، ح 4579

مجری:

اگر حکومت نبوی و ولایت نبوی می‌خواهند، باید به سراغ نفس نبی بروند که ببینند چه کسی است، نه اینکه

خودشان به سلیقه خودشان عمل کنند!

سنگ تمام پیامبر اکرم برای امیرالمؤمنین در «آیه مباحله»!

آیت الله دکتر حسینی قزوینی:

مهم‌تر از همه اینها «آیه مباحله» است. رسول اکرم در آیه مباحله سنگ تمام گذاشته است. این قضیه در کتاب «صحيح مسلم» است و ما جای دیگری هم نمی‌رویم. در کتاب «صحيح مسلم» وارد شده است:

«وَلَمَّا نَزَلَتْ هَذِهِ الْآيَةُ (فَقُلْ تَعَالَوْا نَدْعُ أَبْنَاءَنَا وَأَبْنَاءَكُمْ) دَعَا رَسُولُ اللَّهِ عَلِيًّا وَفَاطِمَةَ وَحَسَنًا وَحُسَيْنًا فَقَالَ
اللَّهُمَّ هَؤُلَاءِ أَهْلِي»

زمانی که آیه (فَقُلْ تَعَالَوْا نَدْعُ أَبْنَاءَنَا وَأَبْنَاءَكُمْ) نازل شد، رسول الله علی و فاطمه و حسن و حسین را آورد و فرمود: خدایا آنها اهل من هستند.

صحيح مسلم، اسم المؤلف: مسلم بن الحجاج أبو الحسين القشيري النيسابوري، دار النشر: دار إحياء التراث العربي - بيروت، تحقيق: محمد فؤاد عبد الباقي، ج 4، ص 1871، ح 2404

جالب اینجاست که آقای «ابن کثیر دمشقی سلفی» شاگرد «ابن تیمیه» در کتاب «تفسیر» خود جلد اول صفحه 372 ذیل آیه شریفه:

(فَقُلْ تَعَالَوْا نَدْعُ أَبْنَاءَنَا وَ أَبْنَاءَكُمْ وَ نِسَاءَنَا وَ نِسَاءَكُمْ وَ أَنْفُسَنَا وَ أَنْفُسَكُمْ ثُمَّ نَبْتَهِلْ)

به آنها بگو: "بیایید ما فرزندان خود را دعوت کنیم، شما هم فرزندان خود را، ما زنان خویش را دعوت نماییم، شما هم زنان خود را، ما از نفوس خود دعوت کنیم، شما هم از نفوس خود، آن گاه مباحله کنیم.

سوره آل عمران (3): آیه 61

مطالبی آورده است. این آیه شریفه در قضیه مباحله است. نصاری نجران در مناظره‌ای که با پیغمبر اکرم داشتند قانع نشدند و گفتند: مباحله کنیم.

حضرت فرمودند: مسئله‌ای نیست، شما فرزندانان را بیاورید و من هم فرزندانم را می‌آورم. شما زنانان را بیاورید و ما هم زنانمان را می‌آوریم. شما جانان را بیاورید و من هم جانم را می‌آورم.

«قال جابر (أنفسنا وأنفسكم) رسول الله وعلى بن أبي طالب (وأبناءنا) الحسن والحسين (ونساءنا) فاطمة»

در این آیه شریفه (نا) پیغمبر اکرم و (أَنْفُسَ) علی بن ابی طالب است. آقایانی که در آیه شریفه:

﴿إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَ يُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَ هُمْ رَاكِعُونَ﴾

سرپرست و رهبر شما تنها خدا است، و پیامبر او، و آنها که ایمان آورده‌اند و نماز را بر پا می‌دارند و در حال رکوع زکات می‌پردازند.

سوره مائده (5): آیه 55

اشکال می‌کنند و می‌گویند چرا جمع آمده و اراده مفرد شده است، دقت داشته باشند در اینجا هم جمع آمده و اراده مفرد شده است. (أَنْفُسَ) جمع نفس است و در این آیه شریفه آمده است که مراد از (أَنْفُسَ) علی بن ابی طالب است.

مراد از (أَبْنَاءَ) امام حسن و امام حسین و مراد از (نا) پیغمبر اکرم است. همچنین مراد از (نِسَاءَ) حضرت صدیقه طاهره و مراد از (نا) رسول الله است. او در مورد سند روایت می‌نویسد:

«وهكذا رواه الحاكم في مستدرکه»

در ادامه می‌نویسد:

«صحيح على شرط مسلم ولم يخرجاه»

او سپس می‌نویسد:

«وقد رواه أبو داود الطيالسي عن شعبة عن المغيرة عن الشعبي مرسلًا وهذا أصح وقد روى عن ابن عباس والبراء نحو ذلك»

تفسير القرآن العظيم، اسم المؤلف: إسماعيل بن عمر بن كثير الدمشقي أبو الفداء، دار النشر: دار الفكر - بيروت - 1401، ج 1، ص 372، باب آل عمران: (59 - 63) إن مثل عيسى... ..

مشاهده کنید کسی که نفس پیغمبر اکرم و جان رسول الله است، شایسته خلافت است و ویژگی‌های خلافت و امامت در او هست یا کسانی که این مرحله را ندارند.

آیا کسانی شایستگی خلافت دارند که حتی وقتی از آیات قرآن کریم هم سؤال می‌کنند، می‌گویند ما بی خبر هستیم و زمانی که حکمی را جاری می‌کنند برخلاف قرآن کریم جاری می‌کنند؟! کدامیک از اینها شایستگی خلافت و امامت دارند؟!

«حاکم نیشابوری» در کتاب «معرفة علوم الحديث» تعبیر زیبایی دارد. ایشان می‌گوید: روایات متواتر داریم. همانطور که می‌دانید نظر علمای اهل سنت در مورد روایت متواتر چنین است:

«وَمَنْ أَنْكَرَ الْمُتَوَاتِرَ فَقَدْ كَفَرَ»

هرکسی روایت متواتر را انکار کند کافر است.

الفتاوى الهندية فى مذهب الإمام الأعظم أبى حنيفة النعمان، اسم المؤلف: الشيخ نظام وجماعة من علماء الهند، دار النشر: دار الفكر - 1411 هـ - 1991 م، ج 2، ص 265، باب مُوجِبَاتُ الْكُفْرِ أَنْوَاعٌ مِنْهَا مَا يَتَعَلَّقُ بِالْإِيمَانِ وَالْإِسْلَامِ

البته افراد دیگری نظیر «محمد بن عبدالوهاب» هم آورده است که اگر کسی روایت متواتر که اجماع شده را انکار کند کافر است. «حاکم نیشابوری» می‌گوید:

«وقد تواترت الأخبار في التفاسير عن عبد الله بن عباس وغيره أن رسول الله أخذ يوم المباهلة بيد علي وحسن وحسين وجعلوا فاطمة وراءهم»

روایات متواتری در تفاسیر از قول عبدالله بن عباس و دیگران داریم که پیغمبر اکرم روز مباحله دست علی و حسن و حسین را گرفت، در حالی که پشت سرشان حضرت فاطمه زهرا بود.

«ثم قال هؤلاء أبناءنا وأنفسنا ونساؤنا فهلما أنفسكم وأبناءكم ونساءكم»

حضرت سپس فرمود: آنها فرزندان من و جان من و زنان من هستند. شما هم جانتان و فرزندانان و زنانان را بیاورید.

«ثم نبتهل فنجعل لعنة الله على الكاذبين»

سپس مباحله کنیم و لعنت الهی را بر دروغگو قرار بدهیم.

معرفة علوم الحديث، اسم المؤلف: أبو عبد الله محمد بن عبد الله الحاكم النيسابوري، دار النشر: دار الكتب العلمية - بيروت - 1397 هـ - 1977 م، الطبعة: الثانية، تحقيق: السيد معظم حسين، ج 1، ص 50، باب معرفة أولاد الصحابة

وقتی نصاری نجران به رسول گرامی اسلام، سیمای امیرالمؤمنین و سیمای حضرت فاطمه زهرا و سیمای دو نازدانه امیرالمؤمنین نگاه کردند، گفتند: اگر چهره‌هایی که من می‌بینم دست به نفرین بلند کنند، یک نفر مسیحی در کره زمین زنده نمی‌ماند.

آنها تسلیم شدند و گفتند: ما حاضریم جزیه بدهیم. نصاری نجران جزیه دادند و حاضر نشدند زیر بار قضیه مباحله بروند. ما از اینطور روایات الی ماشاءالله داریم و یکی دو مورد نیست.

مجری:

چقدر هم زیباست که چند وقت دیگر هم رحلت رسول گرامی اسلام هست، در اعمال روز رحلت وارد شده است که به زیارت امیرالمؤمنین برویم. چقدر زیبا نفس نبی به ما نشان داده شده است که کأنه به زیارت رسول الله می‌شتابیم.

خیانت آشکار «ابن قیم جوزیه» نسبت به امیرالمؤمنین (سلام الله علیه)

آیت الله دکتر حسینی قزوینی:

نمی‌دانم ما در بعضی موارد چکار کنیم. در کتاب «جلاء الإفهام» اثر «ابن قیم جوزیه» شاگرد «ابن تیمیه حرانی» متوفای 751 هجری روایتی نقل شده است. «ابن تیمیه» خود متوفای 728 هجری است.

«حاکم نیشابوری» و «صحیح مسلم» در کتب خود می‌نویسند که رسول گرامی اسلام دست امیرالمؤمنین و حضرت فاطمه زهرا و امام حسن و امام حسین را گرفت.

حال این شخص اسم امیرالمؤمنین (سلام الله علیه) را از روایت حذف کرده است. و در روایت می‌نویسد:

«وَلَمَّا أَنْزَلَ اللَّهُ سُورَةَ آيَةِ الْمَبَاهِلَةِ {فَمَنْ حَاجَّكَ فِيهِ مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَكَ مِنَ الْعِلْمِ فَقُلْ تَعَالَوْا نَدْعُ أَبْنَاءَنَا

وَأَبْنَاءَكُمْ} دَعَا النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فَاطِمَةَ وَحَسَنًا وَحُسَيْنًا وَخَرَجَ لِلْمَبَاهِلَةِ»

جلاء الإفهام في فضل الصلاة على محمد خير الأنام؛ المؤلف: محمد بن أبي بكر بن أيوب بن سعد

شمس الدين ابن قيم الجوزية (المتوفى: 751هـ)، المحقق: شعيب الأرنؤوط - عبد القادر الأرنؤوط،

الناشر: دار العروبة - الكويت، الطبعة: الثانية، 1407 - 1987، ج 1، ص 264، فصل واما الذرية فالكلام

فيها في مسألتين

ما باید به آقای «ابن قیم جوزیه» بگوییم: «أمن الإنصاف يا بن الطلقاء»؟! این همان تعبیری است که حضرت

زینب کبری خطاب به «یزید» داشت. حضرت زینب فرمود: ای فرزندان آزاد شدگان پیغمبر اکرم در فتح مکه، آیا

این انصاف است؟!

کتاب «صحيح مسلم» آورده است که پیغمبر اکرم دست امیرالمؤمنین و حضرت فاطمه و امام حسن و امام حسین را گرفت. حال اگر کتاب دیگری بود ادعا می‌کردند که ما این کتاب را قبول نداریم.

همچنین «حاکم نیشابوری» نسبت به این مسئله ادعای تواتر می‌کند. حال «ابن قیم جوزیه» اسم «علی بن ابی طالب» را حذف می‌کند.

بنده از این طور عبارات که آقایان اسم امیرالمؤمنین را حذف کردند، الی ماشاءالله دارم. بعضی از افرادی هم که در قرن هفتم و هشتم بودند و آیه مباهله و ذیلش را آوردند، نام امیرالمؤمنین را از روایت حذف کردند.

حال نسبت به بعضی افراد می‌توانیم بگوییم که شاید ناشرین و چاپ کنندگان حذف کرده باشند.

ولی «ابن قیم جوزیه» یکی از علمای قرن هفتم و هشتم هجری است. مشخص است که این شیطنت و بازیگوشی و عداوت و نصب متعلق به خود اوست.

اگر در خانه کس است، همین یک روایت برای هدایت بس است!!

«حاکم نیشابوری» روایتی دارد که شاید در پنجاه، شصت مصدر از مصادر اهل سنت آمده است. این روایت می‌خواهد ویژگی‌هایی که در امیرالمؤمنین منحصر به فرد است و در هیچکدام از صحابه نیست را بیان کند.

عزیزان به این روایت دقت کنند و آن را یادگاری از ما داشته باشند. دوستان مخصوصاً عزیزان طلبه و جوانان شیعه که با مخالفین و وهابی‌ها بحث دارند این روایت را خوب در ذهن داشته باشند.

امیرالمؤمنین که می‌فرمایند: «**وَ لَهُمْ خَصَائِصُ حَقِّ الْوَلَايَةِ**» در حقیقت می‌خواهد بفرماید این افراد ویژگی‌های ولایت و حاکمیت جامعه اسلامی را دارند، نه غیر از این افراد.

ایشان در جلد سوم مسائلی را مفصل مطرح می‌کند و چند مسئله را بیان می‌کند. او می‌نویسد که پیامبر اکرم در قضیه جنگ تبوک فرمود:

« إِنَّهُ لَا يَنْبَغِي أَنْ أَذْهَبَ إِلَّا وَأَنْتَ خَلِيفَتِي »

سپس فرمود:

« أَنْتَ وَلِيُّ كُلِّ مُؤْمِنٍ بَعْدِي وَمُؤْمِنَةٌ »

تو ولی امر تمام مردان و زنان مؤمن بعد از من هستی.

« وَسَدَّ رَسُولُ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ أَبْوَابَ الْمَسْجِدِ غَيْرَ بَابِ عَلِيٍّ فَكَانَ يَدْخُلُ الْمَسْجِدَ جُنُبًا »

بازهم فرمود:

« مَنْ كُنْتُ مَوْلَاهُ، فَإِنَّ مَوْلَاهُ عَلِيٌّ »

«حاکم نیشابوری» در مورد سند روایت می‌نویسد:

« هَذَا حَدِيثٌ صَحِيحُ الْإِسْنَادِ، وَلَمْ يُخْرَجْ لَهُ بِهَذِهِ السِّيَاقَةِ »

المستدرک علی الصحیحین، اسم المؤلف: محمد بن عبدالله أبو عبدالله الحاکم النیسابوری، دار النشر:

دار الکتب العلمیة - بیروت - 1411 هـ - 1990 م، الطبعة: الأولى، تحقیق: مصطفی عبد القادر عطا، ج

3، ص 143، ح 4652

کاملاً واضح و روشن است که «ابن عباس» ده ویژگی نقل می‌کند که این ویژگی‌ها در هیچ‌کدام از صحابه نیست. عزیزان این روایت را قدر بدانند و قدری دقت بیشتری روی این روایت شود.

بنده بر این عقیده هستم که اگر همین یک روایت برای ما ملاک باشد، دیگر احتیاجی به مسائل دیگری نداریم که شروع به طرح مسائل دیگر کنیم. یکی از ویژگی‌های اهلیت که در اینجا آمده است، بحث «ولایت» است. پیغمبر اکرم می‌فرماید:

«أنت ولی کل مؤمن بعدی ومؤمنة»

این روایت را «احمد بن حنبل» در کتاب «فضائل الصحابة» می‌آورد و می‌نویسد:

«أنت ولی کل مؤمن بعدی ومؤمنة»

تو ولی امر تمام مؤمنین و مؤمنات بعد از من هستی.

«وسد أبواب المسجد غیر باب علی»

فضائل الصحابة، اسم المؤلف: أحمد بن حنبل أبو عبد الله الشيباني، دار النشر: مؤسسة الرسالة - بيروت - 1403 - 1983، الطبعة: الأولى، تحقيق: د. وصی الله محمد عباس، ج 2، ص 684، ح 1168

همچنین آقای «ألبانی» در کتاب «سلسلة الأحاديث الصحيحة» جلد پنجم صفحه 263 می‌گوید:

«وهو ولی کل مؤمن بعدی»

و:

«أن رسول الله صلى الله عليه وسلم قال لعلي: أنت ولی کل مؤمن بعدی»

او در مورد سند هم می‌نویسد:

«وأخرجه أحمد ومن طريقه الحاكم صحيح الإسناد، ووافقه الذهبي، وهو كما قال»

سند روایت صحیح است، ذهبی گفته روایت صحیح است، حاکم نیشابوری گفته روایت صحیح است
من هم می گویم روایت صحیح است.

سلسلة الأحادیث الصحيحة وشيء من فقهها وفوائدها، المؤلف: أبو عبد الرحمن محمد ناصر الدين، بن
الحاج نوح بن نجاتي بن آدم، الأشقودري الألباني (المتوفى: 1420 هـ)، الناشر: مكتبة المعارف للنشر
والتوزيع، الرياض، الطبعة: الأولى، (لمكتبة المعارف)، ج 5، ص 263، ح 2223

با این توصیف، ما به کجا می‌رویم؟!

(قَائِنٌ تَذْهَبُونَ)

پس به کجا می‌روید؟!

سوره تکویر (81): آیه 26

با وجود واضح بودن مسئله آیا جا دارد به دنبال مسائل دیگر برویم؟! من نمی‌دانم! بنده روایتی هم از کتب
شیعه بیآورم، زیرا آقایان ادعا می‌کنند که چرا از کتب شیعه مطلب نمی‌آورید.

ولایت الهی امیرالمؤمنین (سلام الله علیه) با سندی کاملاً صحیح

در کتاب «کافی» اثر «کلینی» متوفای 329 هجری جلد اول صفحه 289 روایتی وارد شده است که صدرصد
صحیح است و از نظر سند هیچ مشکلی ندارد. امام صادق (علیه السلام) فرمودند:

«أَمَرَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ رَسُوْلَهُ بِوَلَايَةِ عَلِيٍّ»

خداوند متعال پیغمبر اکرم را به ولایت علی دستور داد.

«وَأَنْزَلَ عَلَيْهِ- إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ»

سپس می نویسد:

«وَفَرَضَ وِلَايَةَ أَوْلَى الْأَمْرِ»

خداوند ولایت اولی الامر را در اینجا واجب کرده است.

«قَلَّمَ يَذُرُوا مَا هِيَ»

مردم نمی دانستند اولی الامر چه کسانی هستند و ولایت چیست.

«فَأَمَرَ اللَّهُ مُحَمَّدًا ص أَنْ يَفْسِّرَ لَهُمُ الْوِلَايَةَ كَمَا فَسَّرَ لَهُمُ الصَّلَاةَ وَالزَّكَاةَ وَالصُّومَ وَالْحَجَّ»

خداوند متعال به پیغمبر اکرم امر کرد ولایت را بر مردم تفسیر کند، همانطور که نماز و زکات و روزه و

حج را تفسیر کرد.

خداوند متعال فرمود:

(وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ)

و نماز را بپا دارید.

سوره بقره (2): آیه 43

اما کیفیت نماز خواندن را پیغمبر اکرم برای مردم بیان فرمود. همچنین کیفیت پرداخت زکات را رسول گرامی اسلام معین کرده است. همچنین مبطلات و واجبات صوم را هم رسول الله معین فرمود.

روایت می فرماید: همانطور که پیغمبر اکرم نماز و زکات و روزه و حج را تفسیر کرد، خداوند عالم به او وحی

فرمود:

(يا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ وَإِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَّغْتَ رِسَالَتَهُ)

ای پیامبر آنچه از طرف پروردگارت بر تو نازل شده است کاملاً (به مردم) برسان و اگر نکنی، رسالت او را انجام نداده‌ای.

سوره مائده (5): آیه 67

«فَصَدَعَ بِأَمْرِ اللَّهِ تَعَالَى ذِكْرَهُ فَقَامَ بِوَلَايَةِ عَلِيٍّ ع يَوْمَ غَدِيرِ خُمٍّ»

پیغمبر اکرم به امر الهی ندا در داد: پیغمبر اکرم به ولایت علی در روز غدیر خم قیام کرد.

الكافي، نویسنده: کلینی، محمد بن یعقوب، محقق / مصحح: غفاری علی اکبر و آخوندی، محمد، ج 1، ص 289، ح 4

بعد از اینکه حضرت، ولایت را معرفی کرد، جبرئیل نازل شد و فرمود:

(الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَ أَتَمَّمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَ رَضِيْتُ لَكُمُ الْإِسْلَامَ دِينًا)

امروز دین شما را کامل کردم و نعمت خود را بر شما تکمیل نمودم و اسلام را به عنوان آئین (جاودان) شما پذیرفتم.

سوره مائده (5): آیه 3

امام باقر (علیه السلام) با سه آیه 3 و 55 و 67 سوره مبارکه مائده ولایت علی بن ابی طالب را برای ما بیان می‌کند. این روایت از نظر سند هم هیچ مشکلی ندارد.

«علامه مجلسی» در کتاب «مرآة العقول» جلد سوم صفحه 250 وقتی به این روایت می‌رسد، می‌گوید:

«الحديث الرابع: حسن»

مرآة العقول فی شرح أخبار آل الرسول، نویسنده: مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، محقق / مصحح:

رسولی محلاتی، سید هاشم، ج 3، ص 250، ح 4

سند روایت هم صحیح است. «علی بن ابراهیم» یکی از راویان حدیث است که «نجاشی» در مورد او می‌گوید:

«ثقة فی الحدیث»

فهرست اسماء مصنفی الشیعة، نویسنده: النجاشی، ص 260، ح 680

راوی دوم «ابراهیم بن هاشم» است که آیت الله خوئی در مورد او می‌نویسد:

«لا ینبغی الشک فی وثاقة ابراهیم بن هاشم»

معجم رجال الحدیث، نویسنده: السید الخوئی، ج 1، ص 291، ح 332

همچنین «مرحوم سید بحر العلوم» می‌گوید که «ابراهیم بن هاشم ثقه است. همچنین «مرحوم مامقانی» و

«مرحوم میرداماد» می‌گویند که «ابراهیم بن هاشم» ثقه است. راوی دوم «محمد بن اَبی عمیر» است که

«نجاشی» در مورد او می‌گوید:

«جلیل القدر عظیم المنزلة فینا وعند المخالفین»

فهرست اسماء مصنفی الشیعة، نویسنده: النجاشی، ص 326، ح 887

همچنین «شیخ طوسی» در مورد او می‌نویسد:

«وکان من أوثق الناس عند الخاصة والعامة»

الفهرست، نویسنده: الشیخ الطوسی، ص 218، ح 32

راوی بعد «عمر بن محمد بن اذینة» است که «شیخ طوسی» در مورد او می‌نویسد:

«عمر بن أذينة، ثقة»

الفهرست، نویسنده: الشيخ الطوسي، ص 184، ح 2

راوی بعد «برید بن معاویة» است که «نجاشی» در مورد او می‌نویسد:

«وجه من وجوه أصحابنا، وفقیه أيضاً، له محل عند الأئمة»

فهرست اسماء مصنفی الشیعة، نویسنده: النجاشی، ص 112، ح 287

تمام راویان این روایات ثقة هستند و وثاقتشان هم میان علمای رجال اتفاقی است و دیگر کسی هم نیامده حرف دو پهلو بزند. اگر «مرحوم مجلسی» می‌گوید:

«الحديث الرابع: حسن»

به جهت «ابراهیم بن هاشم» است. قدمای ما به روایات «ابراهیم بن هاشم»، «حسنه» می‌گفتند. ولی فقهای ما بعد از «صاحب جواهر» همگی به «صحیحه» تعبیر می‌کنند.

مجری:

بسیار عالی، خیلی ممنون. الحمدلله مطالب جامع همه چیز بود؛ هم برای افرادی که بیشتر به دنبال این هستند که از کتب مخالفین و دیگران دنبال مطلب بگردند که کاملاً معظم وقت و اکثر در این کتاب‌ها بررسی شد و به خوبی هم به نتیجه رسیدیم.

همچنین افرادی که از شیعیان هستند و می‌خواهند بیشتر بهره مند شوند و از نور کلام اهلبیت پرتوی بگیرند و خود را نورانی کنند؛ این افراد هم با روایت اخیری که مطرح شد به فیض اکمل رسیدند.

در ضمن این مطالب آقا حمید رضا که دو جلسه پیش تماس گرفته بودند و فرصت نشده بود تا پاسخ حضرت استاد را به سؤال ایشان بشنویم، ایشان هم الحمدلله به پاسخشان رسیدند.

همانطور که ملاحظه می‌کنید، راه‌های ارتباطی زیرنویس شده و چنین امکانی برای شما بینندگان عزیز فراهم هست که بخواهید تماس بگیرید یا اگر پیامی دارید چه به صورت متنی و چه به صورت صوتی با «شبکه جهانی حضرت ولی عصر» در میان بگذارید.

ان شاءالله ما سؤال شما را اینجا مطرح می‌کنیم و پاسخش را به سمع و نظر شما به صورت مستقیم می‌رسانیم. یک میان برنامه ببینیم و برمی‌گردیم در محضرتان خواهیم بود.

لبیک یا علی! عنوان و صحیفه المؤمن حب علی بن ابی طالب است. عزیزان بینده همانطور که خدمتتان عرض کردم، برای شما در هر لحظه از این برنامه چنین امکانی وجود دارد که با این شماره‌ها تماس بگیرید یا پیام خودتان را به صورت صوتی یا متنی بگذارید.

بدون اطاله کلام و فوت وقت به سراغ عزیزی برویم که یک سؤال صوتی برای ما فرستادند. سؤال ایشان را می‌شنویم:

اگر ادله مذهب شیعه، محکم و قاطع هست، چرا اهل سنت زیربار نمی‌روند!؟

سلام عرض می‌کنم خدمت شما و بینندگان عزیزتان و همچنین محضر استاد عزیز حضرت آیت الله حسینی قزوینی عرض سلام و ادب ویژه دارم.

می‌خواستم بپرسم با توجه به اینکه استاد با اهل سنت خیلی مناظرات و بحث علمی داشتند و اینکه حقانیت شیعه از مصادر عزیزان اهل سنت قابل اثبات است و از قرآن کریم هم حقانیت امیرالمؤمنین اثبات می‌شود، دعوی اهل سنت با ما شیعیان چیست!؟

چرا اهل سنت نمی‌خواهند قبول کنند وقتی از مصادر و کتب خودشان و قرآن کریم ولایت را اثبات می‌کنیم، چرا این افراد بر دین خود می‌خواهند ثابت بمانند و به تشیع گرایش پیدا نمی‌کنند؟! با تشکر از برنامه خوبتان، متشکرم، سلامت باشید.

مجری:

سلامت باشید. خیلی تشکر می‌کنیم از شما که به صورت صوتی پیام خود را فرستاده بودید. از محضرتان استفاده می‌کنیم، البته تماس‌هایی هم هست که ان شاءالله فرصت پاسخگویی داشته باشیم.

آیت الله دکتر حسینی قزوینی:

بنده خیلی خلاصه عرض می‌کنم که بحث هدایت دست خداوند عالم است. روایات از پیغمبر اکرم که بالاتر نیست. پیغمبر اکرم خود برای بسیاری افراد مسائل را مطرح کرد، اما زیر بار نرفتند. قرآن کریم می‌فرماید:

(إِنَّكَ لَا تَهْدِي مَنْ أَحْبَبْتَ وَ لَكِنَّ اللَّهَ يَهْدِي مَنْ يَشَاءُ)

تو نمی‌توانی کسی را که دوست داری هدایت کنی، ولی خداوند هر کس را بخواهد هدایت می‌کند.

سوره قصص (28): آیه 56

بنده یک مرتبه هم عرض کردم که حاج آقای نبوی یکی از علمای بزرگ دزفول، خودش برای من نقل کرد و گفت: من زمان آیت الله العظمی بروجردی در مدینه بودم و با امام جماعت مسجد النبی رفت و آمد داشتیم.

این قضیه را نماینده آیت الله العظمی بروجردی جناب آقای «لواسانی» برای حاج آقا نبوی نقل می‌کرد و من هم از لب‌های حاج آقای نبوی شنیدم.

ایشان نقل می‌کرد که امام جماعت مسجد النبی در ماه مبارک رمضان به منزل ما آمد و گفت: برای من قهوه بیاور. من گفتم: ماه رمضان است. او گفت: من مهمان تو هستم، برایم قهوه بیاور.

من گفتم: آیا شما بیمار هستید و کسالت دارید؟ او گفت: مگر شما نکیر و منکر هستید که چنین سؤال می‌کنید! من قهوه آوردم و او خورد، سپس گفتم: چرا در ماه رمضان با وجود اینکه عذری هم ندارید، روزه خواری می‌کنید!؟

او گفت: بی پرده بگویم من به این نتیجه رسیدم اگر کسی ولایت علی را نداشته باشد، قطعاً در جهنم وارد خواهد شد. من گفتم: با این قطعیت چرا ولایت علی را نمی‌پذیرید؟!

یک مرتبه دیدم اشک‌هایش جاری شد و از محاسنش سرازیر شد. او گفت: خدا می‌داند هر کاری کردم که ولایت علی بن ابی طالب داخل قلبم برود، دیدم نمی‌رود. من می‌دانم فردای قیامت در آتش جهنم خواهم بود، چرا خودم را زجر دهم و گرسنگی بکشم!!

در یکی از سال‌ها به یکی از کشورهای خاورمیانه سفر داشتم. یک جوان شیعه نزد من آمد و با ناراحتی و بغض می‌گفت: من هرکاری می‌کنم ولایت علی بن ابی طالب در دلم نمی‌رود، چه خاکی بر سرم بریزم!!

او با حالتی مضطرب می‌گفت: من هرکاری می‌کنم که ولایت علی بن ابی طالب در قلبم بیاید، نمی‌توانم.

من گفتم: به حضرت فاطمه زهرا توسل کن. حضرت صدیقه طاهره اولین شهیده راه ولایت است. بهترین راه این است که به حضرت فاطمه زهرا متوسل شوی تا حضرت از خداوند بخواهد دریچه‌های قلبت برای قبول ولایت باز شود.

ما در روایات هم زیاد داریم که وقتی شما خنکی ولایت ما را احساس می‌کنید، خدا را شکر کنید و برای مادرتان دعا کنید که در حق پدرتان خیانت نکرده است.

بنده بارها گفتم اگر ما از اول دنیا تا آخر دنیا عمر داشته باشیم و تمام آن را یک سجده شکر برای نعمت ولایت انجام دهیم، باز هم نتوانستیم شکر این نعمت را به جای بیاوریم.

شاید این عبارت من برای افراد زیادی عجیب است، اما وقتی در قیامت وارد برزخ شدند نتیجه این حرف من را می‌بینند و یادشان می‌آید که من چه گفتم. من در خدمت عزیزانمان هستم.

مجری:

الحمد لله الذي جعلنا من المتمسكين بولاية امير المؤمنين علي بن أبي طالب و الأئمة المعصومين (عليهم السلام)

تماس بینندگان برنامه:

عزیزان پشت خط هستند. تا جایی که فرصت داشته باشیم صدایشان را می‌شنویم و بعد از آن هم ان شاءالله پاسخ حاج آقا را خواهیم شنید. آقای احمدی از قم پشت خط هستند. سلام عرض می‌کنم، در خدمت شما هستیم:

بیننده (آقای احمدی از قم - شیعه):

خدمت استاد محترم و مجری برنامه سلام عرض می‌کنم. بنده چند سؤال دارم، اما به جهت اینکه وقت کم است می‌خواهم مختصر عرض کنم. در نامه ششم «نهج البلاغه» که نامه حضرت به معاویه است، در رابطه با قاعده الزام است. این جمله:

«فَإِنْ اجْتَمَعُوا عَلَى رَجُلٍ وَ سَمَّوْهُ إِمَامًا كَانَ ذَلِكَ لِلَّهِ رِضًا»

هم، برای الزام است یا اینکه حضرت به این عقیده داشتند؟! سؤال دوم اینکه حضرت استاد امشب جمله‌ای فرمودند که البته مجری محترم تصحیح کردند. شبکه‌های وهابی این یک نکته را تقطیع و منتشر می‌کنند.

استاد فرمودند که اگر کسی روضه بخواند و سینه بزند، اما نماز نخواند اهلبیت را گرفته است. باید در این خصوص توضیح داده شود که کسی ادعا نکند پیروان اهلبیت نماز نمی‌خوانند.

وهابیت این جمله را تقطیع می‌کنند و از آن سوء استفاده می‌کنند، حال آنکه اهلبیت و قرآن یکی هستند. در این خصوص اگر توضیحی داده شود بهتر است.

سؤال سوم این بود نرم افزاری که شما در رابطه با کتب اهل سنت از آن استفاده می‌کنید، «مکتبه شامله» است یا نرم افزار دیگری است؟ این نرم افزار را پیدا نکردم.

خیلی متشکرم. ان شاءالله خداوند به همگان توفیق دهد تا ظهور حضرت تعجیل شود که از این مشکلات نجات پیدا کنیم. التماس دعا دارم، متشکرم.

آیت الله دکتر حسینی قزوینی:

برادر بزرگوaram! امیرالمؤمنین (سلام الله علیه) در نامه ششم می‌فرماید:

«وَ إِنَّمَا الشُّورَى لِلْمُهَاجِرِينَ وَ الْأَنْصَارِ»

شورا برای همه مهاجرین و انصار است.

«فَإِنْ اجْتَمَعُوا عَلَى رَجُلٍ وَ سَمَّوْهُ إِمَامًا كَانَ ذَلِكَ لِلَّهِ رِضًا»

پس اگر دور مردی جمع شدند و او را امام نامیدند، چنین کاری مورد رضای خداوندی است.

نهج البلاغه، نویسنده: شریف الرضی، محمد بن حسین، محقق / مصحح: صالح، صبحی، ص 367، خ

6

طبق این خطبه اگر تمام مهاجرین و انصار که یکی از آنها علی بن ابی طالب و امام حسن و امام حسین و «ابن عباس» و «ابوذر» و «سلمان» و «مقداد» است اجتماع کنند و بگویند فلان شخص امام است، رضایت خداوند در آن است و در آن شکی نیست.

در جلسه گذشته هم عرض کردیم در کتاب «صحیح بخاری» از قول خلیفه دوم آمده است:

«وَإِنَّهُ قَدْ كَانَ مِنْ خَبْرِنَا حِينَ تَوَفَّى اللَّهُ نَبِيَهُ أَنَّ الْأَنْصَارَ خَالِفُونَا»

اما بعد از وفات پیغمبر اکرم انصار با ما مخالفت کردند.

«وَحَالَفَ عَنَّا عَلِيٌّ وَالزُّبَيْرُ وَمَنْ مَعَهُمَا»

علی بن ابی طالب و زبیر و هرکسی با آنها بود با ما مخالفت کردند.

الجامع الصحيح المختصر، اسم المؤلف: محمد بن إسماعيل أبو عبدالله البخاري الجعفي، دار النشر: دار

ابن كثير، اليمامة - بيروت - 1407 - 1987، الطبعة: الثالثة، تحقيق: د. مصطفى ديب البغا، ج 6، ص

2505، ح 6442

ما معتقدیم اگر تمام مهاجرین و انصار که علی بن ابی طالب و حضرت فاطمه زهرا هم جزو آنهاست بگویند
فلان شخص امام است، ما هم می گوئیم خداوند و پیغمبر اکرم شاهد است که او امام است.

در رابطه با سؤال دوم ایشان که من گفتم اگر کسی تنها از تشیع عزاداری را داشته باشد و نه روزه بگیرد و نه
نماز بخواند و نه زکات بدهد و نه زمانی که مستطیع شد به حج برود، قرآن کریم را کنار گذاشته است؛ ائمه
اطهار (علیهم السلام) بارها فرمودند:

«مَنْ كَانَ لِلَّهِ عَاصِيًا فَهُوَ لَنَا عَدُوٌّ»

الكافي، نویسنده: کلینی، محمد بن یعقوب، محقق / مصحح: غفاری علی اکبر و آخوندی، محمد، ج 2،

ص 75، ح 3

اگر کسی اهل بیت را قبول داشته باشد، باید قرآن کریم را هم قبول کند. مشاهده کنید اهل بیت هرچه
می فرمایند، از قرآن کریم است.

در رابطه با سؤال سوم شما باید بگویم که بنده خودم از نرم افزار «مکتبه اهل بیت» استفاده می کنم. نرم افزاری
که بنده از آن استفاده می کنم، دارای دویست و پنجاه هزار جلد کتاب شیعه و سنی است.

البته بنده گاهی اوقات از برنامه «جامع الكبير» هم استفاده می‌کنم، اما استفاده‌ام خیلی کم هست. همچنین شاید هر دو سه ماه یک بار از نرم افزار «مکتبه شامله» هم استفاده کنم.

مجری:

بسیار خوب، خیلی تشکر می‌کنیم. بدون فوت وقت به جهت اینکه فرصت بسیار محدود است و تماس‌ها زیاد است به تهران برویم. آقا سعید هستند، سلام عرض می‌کنم، در خدمت شما هستیم:

بیننده (آقا سعید از تهران - شیعه):

سلام عرض می‌کنم آقای مرعشی عزیز. حضرت استاد سلام عرض می‌کنم.

آیت الله دکتر حسینی قزوینی:

سلام علیکم و رحمة الله و برکاته.

بیننده:

خسته نباشید. استاد عزیز امشب در مورد یکی از فرازهای خطبه دوم فرمودید که حضرت علی می‌فرماید: «**وَلَهُمْ خَصَائِصُ حَقِّ الْوَلَايَةِ**». حضرت استاد صحبت من هم همین است.

صحبت این است که حضرت علی با توجه به این صحبت‌هایی که می‌فرماید، می‌خواهد خود را شایسته خلافت بداند. این نشانگر این است که ایشان به خلافت الهی اعتقاد ندارند.

اگر خلافت ایشان الهی بود، حضرت علی هرگز نمی‌آمدند بفرمایند یکی از خصائص اهل بیت این است که حق ولایت در آنهاست.

به عنوان مثال پیغمبر اکرم هیچ موقع نفرمودند خصیصه و خوبی و مزیت من این است که من محمد امین هستم و به همین خاطر باید نبی شوم! حضرت فرمودند که من از طرف خداوند برای هدایت شما مبعوث شدم.

مجری:

بسیار خوب، خیلی ممنون، تشکر می‌کنیم از تماس‌تان و این سؤالی که مطرح کردید. ان شاءالله جواب سؤال را از حاج آقا می‌شنویم. آقای هاشمی از مشهد هم پشت خط هستند. آقای هاشمی سلام عرض می‌کنم، در خدمت شما هستیم:

بیننده (آقای هاشمی از مشهد - شیعه)

سلام علیکم، شب بخیر، خسته نباشید. سلام عرض می‌کنم خدمت مجری محترم و حاج آقا قزوینی.

حاج آقا دو سؤال داشتم. سؤال اول من این بود که قرآن‌های صدر اسلام و روایات و احادیث از حضرت پیغمبر اکرم توسط کدام خلیفه سوزانده شد؟ آیا این قضیه در کتب مخالفین هست یا خیر؟!

سؤال دوم من این است آیه‌ای که عایشه می‌گفت آن را بز خورده است از کتب مخالفین برای ما توضیح بدهید.

آیا امیرالمؤمنین (سلام الله علیه) به خلافت الهی خود اعتقادی نداشتند؟!

مجری:

بسیار خوب، آقای هاشمی از تماس شما تشکر می‌کنیم. آقا سعید راجع به فراز «و لَهُمْ خَصَائِصُ حَقِّ الْوَلَايَةِ» پرسیدند و ادعا داشتند که همین فراز دلالت می‌کند که حضرت علی می‌خواهند به مردم نشان دهند که من شایسته ولایت هستم، نه اینکه ولایت من الهی باشد.

آیت الله دکتر حسینی قزوینی:

آقا سعید عزیز ما اولاً بارها گفتیم که «مرحوم سید رضی» در کتاب «نهج البلاغه» تمام سخنان حضرت علی را نقل نکرده و بخشی از سخنان حضرت را نقل کرده است. ایشان تنها بخشی از سخنان حضرت را که در حد فصاحت و بلاغت بود را انتخاب و گزینش کرد.

ما اگر بخواهیم ببینیم واقعاً امیرالمؤمنین خودشان را منصوب خداوند می‌داند، تنها نباید به «نهج البلاغه» اکتفا کنیم.

اولاً در اینجا حضرت می‌فرماید: «وَلَهُمْ خَصَائِصُ حَقِّ الْوَلَايَةِ». حال سؤال اینجا است که «خَصَائِصُ حَقِّ الْوَلَايَةِ» را چه کسی به این بزرگواران عطا فرموده است. آیا ائمه اطهار خودشان این خصائص را دارند یا خداوند به آن بزرگواران عطا فرموده است؟!

اگر خداوند متعال این ویژگی‌ها را به این بزرگواران عطا فرموده است، بنابراین ولایت آنها ولایت الهی است. به عنوان مثال حضرت در خطبه 144 می‌فرماید:

«إِنَّ الْأَكْمَةَ مِنْ قَرِيشٍ عُرِسُوا فِي هَذَا الْبَطْنِ مِنْ هَاشِمٍ لَا تَصْلُحُ عَلَي سِوَاهُمْ»

پیشوایان از قریش هستند. نهال پیشوایی را در خاندان هاشم کاشته‌اند و پیشوایی غیر ایشان را سزاوار نیست.

نهج البلاغه، نویسنده: شریف‌الرضی، محمد بن حسین، محقق / مصحح: صالح، صبحی، ص 201، خ

144

حضرت به صراحت فرمودند: امامت در قریش و در بنی هاشم است و برای غیر بنی هاشم این شایستگی وجود ندارد. حضرت همچنین در خطبه 87 می‌فرماید:

«وَكَيْفَ تَغْمَهُونَ وَبَيْنَكُمْ عِثْرَةٌ نَبِيكُمْ»

به کجا کورکورانه می‌روید که عترت پیغمبر اکرم در میان شماست.

«وَهُمْ أَرْمَتْهُ الْحَقُّ وَ أَعْلَامُ الدِّينِ وَ أَلْسِنَةُ الصِّدْقِ فَأَنْزَلُوهُمْ بِأَحْسَنِ مَنَازِلِ الْقُرْآنِ»

نهج البلاغه، نویسنده: شریف الرضی، محمد بن حسین، محقق / مصحح: صالح، صبحی، ص 119، خ

87

تعبیر که حضرت در بعضی از خطبه‌ها دارد، این است:

«لَقَدْ عَلِمْتُمْ أَنِّي أَحَقُّ النَّاسِ بِهَا مِنْ غَيْرِي»

نهج البلاغه، نویسنده: شریف الرضی، محمد بن حسین، محقق / مصحح: صالح، صبحی، ص 102، خ

74

همچنین در خطبه دیگری آمده است:

«وَلَا يَقْتَدُونَ بِعَمَلِ وَصِي»

این افراد به عمل وصی اقتدا نمی‌کنند.

نهج البلاغه، نویسنده: شریف الرضی، محمد بن حسین، محقق / مصحح: صالح، صبحی، ص 121، خ

88

«بِعَمَلِ وَصِي» به معنای عمل وصی پیغمبر اکرم است. این فراز از خطبه بدان معناست که پیغمبر اکرم مرا به

عنوان وصی پیغمبر اکرم معین کرده و این افراد به حرف من گوش نمی‌دهند. از این واضح‌تر و روشن‌تر؟!!

علاوه بر این تنها نباید این خطبه برای ما ملاک باشد. ما عرض کردیم که سیصد روایت داریم که نام ائمه اطهار (علیهم السلام) توسط پیغمبر اکرم و ائمه اطهار برده شده است.

آقا سعید جان! بنده چند مورد از این روایات را برای شما مطرح کردم که واژه «نصب» که در عبارتهای مختلف آمده است، یکی دو مورد نیست که ما بخواهیم از کنار آن به سادگی عبور کنیم.

بنده تنها یکی دو مورد از امیرالمؤمنین برایتان می‌آورم. در کتاب «کافی» جلد 8 صفحه 344 وارد شده است:

«شَهَدُوا نَصَبَ رَسُولِ اللَّهِ صِ إِيَّايَ لِلنَّاسِ بِغَدِيرِ خُمٍّ بِأَمْرِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ»

مردم شاهد بودند که پیغمبر اکرم به امر الهی مرا در غدیر خم نصب کرده است.

حضرت در ادامه می‌نویسد:

«تَرَكُوا أَمْرَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ وَ طَاعَتَهُ وَ مَا أَمَرَهُمْ بِهِ رَسُولُ اللَّهِ صِ»

این افراد دستور خداوند متعال و دستور پیغمبر اکرم را در حق من ترک کردند.

الکافی، نویسنده: کلینی، محمد بن یعقوب، محقق / مصحح: غفاری علی اکبر و آخوندی، محمد، ج 8،

ص 344، ح 541

سند روایت هم صددرصد صحیح است و هیچ شبهه‌ای در صحت روایت نیست. همچنین در کتاب «کمال الدین» وارد شده است که امیرالمؤمنین مطرح می‌فرمایند:

«فَنَصَّبَنِي لِلنَّاسِ بِغَدِيرِ خُمٍّ»

پیغمبر اکرم مرا در غدیر خم برای امامت نصب کرد.

«أَنَا مَوْلَى الْمُؤْمِنِينَ وَ أَنَا أَوْلَى بِهِمْ مِنْ أَنفُسِهِمْ»

کمال الدین و تمام النعمة، نویسنده: ابن بابویه، محمد بن علی، محقق / مصحح: غفاری، علی اکبر، ج

1، ص 276، ح 25

این قضایا چیزی نیست که ما بتوانیم در آن اشکال کنیم. این‌ها مسلماتی است که ما به هیچ وجه نمی‌توانیم به سادگی از کنار آن رد شویم.

ما تنها نباید عبارت «نهج البلاغه» را ملاک قرار دهیم. مشاهده کنید در «تفسیر قمی» چه تعبیری آمده است. مشاهده کنید پیغمبر اکرم می‌فرماید:

«نَصَبْتُهُ لَهُمْ عِلْمًا فِي حَيَاتِي وَ دَعَوْتُهُمْ إِلَى طَاعَتِهِ - وَ جَعَلْتُهُ خَلِيفَتِي فِي أُمَّتِي - وَ إِمَامًا يَفْتَدِي بِهِ الْأُمَّةَ مِنْ بَعْدِي إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ»

تفسیر قمی، نویسنده: قمی، علی بن ابراهیم، محقق / مصحح: موسوی جزائری، طیب، ج 1، ص

193، باب 5 سورة المائدة مدنية و هی مائة و عشرون آية 120

بازهم در کتاب «کافی» جلد 2 صفحه 388 از قول امام باقر (علیه السلام) وارد شده است:

«إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ نَصَبَ عَلِيًّا عَ عِلْمًا بَيْنَهُ وَ بَيْنَ خَلْقِهِ فَمَنْ عَرَفَهُ كَانَ مُؤْمِنًا وَ مَنْ أَنْكَرَهُ كَانَ كَافِرًا»

الکافی، نویسنده: کلینی، محمد بن یعقوب، محقق / مصحح: غفاری علی اکبر و آخوندی، محمد، ج 2،

ص 388، ح 20

مجری:

بسیار خوب، بسیار از محضرتان تشکر می‌کنیم. حاج آقا همیشه می‌گویند در خانه اگر کس است، یک حرف بس است! حاج آقا مطالبی از چندین کتاب برای شما آوردند. ان شاء الله که به حق و حقیقت سریع‌تر رهنمون شوید.

متأسفانه فرصت نمی‌شود سؤالات آقای هاشمی از مشهد را مطرح کنیم. همراه ما باشید. ان شاء الله حتماً در جلسه آینده سؤالات شما مطرح می‌شود و پاسخ را از حضرت آیت الله دکتر حسینی قزوینی خواهید شنید. از محضرتان تشکر می‌کنیم.

تشکر می‌کنم از همه شما بینندگان عزیز و ارجمند هم که تا پایان، همراه برنامه «حیل المتین» بودید.

اللهم اجعل محیانا محیا محمد و آل محمد اللهم اجعل مماتنا ممات محمد و آل محمد اللهم صل علی محمد و

آل محمد

والسلام علیکم و رحمة الله و برکاته